

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض می‌کنم خدمت همه‌ی عزیزان، شنوندگان پادکست‌های تلنگر. ایام، ایام حج است و از آن طرف، ایام مذاکرات ما هم شده. یعنی در همین ایامی که به ایام حج موسوم است، به هر جهت، جریان مذاکراتی بین ما و آمریکا هم در حال رخ دادن است. از سوی دیگر، شرایط سیاسی منطقه هم به گونه‌ای است که غزه زیر حملات گسترده قرار گرفته. می‌خواهیم به مناسبت بحث حج نکته‌ای عرض کنم. این نکته برای جمع‌بندی جامعه‌ی مسلمین به شدت مهم است.

ببینید، حجی که مردم انجام می‌دهند با آن چیزی که قرآن می‌گوید خیلی فرق دارد. آن‌جوری که مردم می‌روند حج، تقریباً یک عبادت عارفانه است که سرشان را می‌اندازند پایین، توی لاک خودشان می‌روند، مشغول طواف و منا و این کارها می‌شوند. این یک عبادت تقریباً فردی است. درست است که هماهنگ انجام می‌شود، ولی خیلی فردی است. بعد هم تعدادی کچل برمی‌گردند به جامعه‌ی اسلامی و مشغول ولیمه و ولیمه‌خوری و حاجی‌خوری و «حاجی حاجی مکه» و این‌جور چیزها می‌شوند. این پدیده‌ای است که به آدم‌های ثروتمندی مربوط می‌شود که مستطیع هستند، می‌روند و کارهایی می‌کنند که به ما ربطی ندارد. برمی‌گردند و باید ولیمه بدهند.

حالا، این که حج در قرآن این‌جوری نیست. حج، قله و المپیک برائت است؛ المپیک ارتباط مسلمین با یکدیگر برای زدن توی دهان طاغوت. در قرآن، حج این‌گونه دیده شده؛ بر پایه‌ی قتال و مبارزه. پر از مسئله‌ی برائت، پر از درگیری است و اساساً با جنگ همراه است. تنها عبادتی که به نامش سوره داریم، سوره‌ی حج است. شما یک دور سوره‌ی حج را بخوانید، پر از آیات شاخص برای جنگیدن است. حج، یک جور جنگ است، رفتن به سمت دل دشمن و به سمت امام است. خداوند به ابراهیم فرمود: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ». به ابراهیم گفت: «ابراهیم، بلند بلند فریاد بزن که آقا، همه‌ی مردم، بلند شوید، بیایید حج!» نه این که فقط به سمت این خانه بیایید، خیر! بیایید پیش تو، ای امام! با پای پیاده، روی شترهای لاغر. معلوم است که کسانی جواب ابراهیم را می‌دهند، کسانی جواب پیغمبر و امام را می‌دهند که از طبقات متوسط و پابرنه‌ها هستند. رجلاً، پای پیاده می‌آیند و روی شترهای لاغر و مردنی. آدم‌های لُپ‌گلی (کسی که از شدت زندگی راحت و خوش، صورتش سرخ شده و اصطلاحاً گل انداخته) و سوار به ماشین‌های شاسی بلند و بنز سوار، این‌ها اساساً جواب امام را نمی‌دهند. جواب ائمه را طبقات پایین و متوسط می‌دهند.

حالا ببینید که چه؟ بیایند توی دل و دهان دشمن! کلاً جنگ است، همش جنگ. شما تردید نکنید، تقریباً آیات سوره‌ی مبارکه‌ی حج درباره‌ی قتال است. فلسفه‌ی حج این‌گونه آغاز شده. من حالا گوشه‌ای از آن را می‌خواهم به شما بگویم تا بفهمیم تجمیع نیروها در این زمان چه معنایی دارد. اتفاقاً نمی‌گویم مذاکره نکنیم، ولی دل‌بستن به مذاکره نه! آن چیزی که رفاقت با دنیا ایجاد می‌کند، مذاکره نیست. لوس کردن خودمان پیش آمریکا و اسرائیل نیست. آن چیزی که رفاقت درست می‌کند، یک حج ابراهیمی است، ابراهیمی عمل کردن است. اگر ابراهیمی عمل کردیم، جواب می‌گیریم. اگر ابراهیمی عمل نکردیم، مثل این است که شیری را روی پیلوت (کمترین حالت گاز خوراک پزی) گذاشته‌اید. آخرش نمی‌گذارید این شیر بجوشد و یک شیر جوشیده‌ی درست و حسابی بشود. هی تا گرم می‌شود، زیرش را کم می‌کنید. آخرش گذاشتید روی پیلوت، این آبگوشی که روی پیلوت گذاشتید، کلاً پخته نمیشود، درست نمی‌شود.

حالا، اساساً این تجمیع نیروها از منطق ابراهیمی درمی‌آید، از حج ابراهیمی، از المپیک برائت. چون ایام حج است، دارم حج را کمی برجسته می‌کنم توی ذهن‌تان که یادتان نرود ما بحث حج داریم. ببینید، وقتی به مدینه آمدند، پیغمبر رسید به ایام حج، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه. حالا چه کار کنیم؟ حج رفتن آن موقع یعنی چه کار کردن؟ یعنی رفتن توی دهان ابوسفیان، یعنی رفتن توی دل دشمن. مثل این که الان بگویید: «آقا، ما می‌خواهیم برویم آمریکا!» خب، آن‌ها آمدند و گفتند: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ»، این جریان هلال‌های ماه چه‌جوری است؟ می‌خواستند پیغمبر را ببیچانند. پیغمبر گفت: «قُلْ هِيَ مَوَاقِئُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ». این‌ها میقات‌های حج است. بعد هم گفت: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا»، آقا، مطلب را نپیچانید! سؤال‌تان این است که باید برویم بجنگیم دیگر؟ آره، همین است! سؤال را نپیچان، از در پشتی هم نیا! «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا». هر کاری دری دارد، اگر از در خودش نروی، هی توی در و دیوار می‌زنی، آخرش راهش همین است.

شما بلند می‌شدید، با پیغمبر می‌رفتید، چون کار قله‌ای و سطح بالا انجام می‌دهید و وعده‌ها قله‌ای است. این را چندین بار عرض کردیم. ببینید، توی قوم برگزیده که ان‌شاءالله یک موقع پادکست‌هایش را خدمت‌تان عرض می‌کنیم، توی تلنگر و سن، این‌ها

را ان شاء الله می‌گوییم. وقتی همه چیز به قله می‌رسد، درگیری‌ها به نقاط نهایی کشیده می‌شود، وعده‌ها عجیب می‌شود. کلاً آن موقع، اگر ابراهیم آن بت‌شکنی را نمی‌کرد، حتماً آتش سرد نمی‌شد. نه، این جوری نیست که ابراهیم می‌توانست یک کار خیلی غیرحادی انجام دهد، یک کار سبک و بدن تنش انجام دهد، بعد وقتی می‌خواستند بپندازندش توی آتش، آتش سرد می‌شد. خیر، آن‌جا هم می‌سوخت! توی قله این اتفاقات می‌افتد. چرا باید به قله برود؟ چون می‌خواهی بمب اتم درست کنی! عرض کردیم، خالص‌سازی همیشه خاصیتش این است که وقتی درصد خلوص را بالا می‌برید، تازه آن قدرت‌ها بالا می‌رود. درصد خلوص‌های بالا توی ابتلائات بالا اتفاق می‌افتد. یعنی باید خیلی ابتلائات تویش ایجاد شود تا درصد خلوص بالا برود. لذا توی نقاط انتهایی قله، کلاً قواعدش فرق می‌کند.

این‌ها به تعبیر مهندس‌ها، نمودار نمایی است. یعنی این جوری نیست که دو برابرش کنی، دو برابر بشود. خیر، صد برابر می‌شود! وقتی قدم به قدم به سمت قله می‌روی، اگر واقعاً بروید، همه چیز و وعده‌ها عجیب می‌شود. این خاصیت قضیه است. حالا پیغمبر می‌خواهد یک اقدام خیلی حاد بکند. تازه آمده‌اند، حکومت اسلامی تشکیل داده‌اند، می‌گویند: «قُلْ مَوَاقِیْتُ لِلْحَجِّ». تشریف ببرید حج، راه مقابله با دشمن است، درگیر شدن، به بطن مکه رفتن، توی دل دشمن. راهش رفتن است، نه نرفتن. نهایتاً چه شد؟ پروژه عوض می‌شود؟ خیر، فقط پروژه سخت می‌شود، چون از درش نرفتند. پروژه سخت چه شد؟ جنگ بدر، بعد جنگ احد، بعد جنگ احزاب، بعد جنگ با یهود، بعد صلح حدیبیه، بعد فتح مکه. آن چیزی که باید سال اول اتفاق می‌افتاد، سال هشتم اتفاق افتاد. یعنی چرخیدن و چرخیدن و چرخیدن تا آن اتفاقات بیفتد، با چقدر هزینه! بله، از آن جایی که خدا قوم‌های برگزیده را عفو می‌کند، حالا رفتند جنگ بدر را تونستند از پشش بر بیایند.

کلاً این اقدام، اقدام حاد است. حج باید این اتفاق بیفتد. توی آخرالزمان هم همین اتفاق می‌افتد. شما نمی‌توانید جلوی این را بگیرید. این خاصیت آخرالزمان است. از منطقه‌ی قبله و بحث حج، همه چیز شروع می‌شود. این را حواس‌مان باشد. حج یک عبادت حاشیه‌ای نیست. آن المپیک جنگ است، المپیک قتال است. اگر این جوری ببینید، هرچه‌تان قبول است. اگر این جوری نبینید، بیایید مهمانی را بدهید، ما هم می‌خوریم، این یک اقدام شبیه اقدام جاهلیت است. یعنی اگر همین دور چرخیدن و سعی و رمی و این چیزها بوده که توی جاهلیت هم این کارها را می‌کردند دیگر. این دیگر آن قدر خلاصه، شهر به هم ریختن ندارد.

این جاست که می‌خواهم بگویم این یک اقدام حاد برائتی است. در اواخر عمر شریف پیغمبر، در این سوره‌ی پرطمطراق و سخت، با شروع سخت بدون بِسْمِ اللَّهِ، «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ». این سوره که سوره‌ی توبه و سوره‌ی براءت است، می‌خواهد آن حج بزرگ را تعریف کند. این جوری تعریف می‌کند: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ». می‌گوید اعلان این است دیگر. اعلان خدا و رسول این است که به همه‌ی مردم در روز حج اکبر: خدا و رسول از مشرکین بیزارند. حج اکبر کی است؟ وقتی اعلان براءت می‌شود تویش. نه این که براءت‌ورزی، این خوب است. حالا به شما نشان می‌دهم، اگر اعلان براءت، اگر «مرگ بر آمریکا» از دهان‌ها بیفتد، چون داریم مذاکره می‌کنیم، این اشتباه است. آقا، سلاح را زمین می‌گذارید، سپر را که باید بردارید! شما قرار نیست حالا چون توی مذاکراتیم، اسلحه را زمین بگذارید. «وَحُذُّوا حِذْرَكُمْ وَأَسْلِحَتْكُمْ». شما اسلحه را زمین می‌گذارید، سپر را که باید بردارید! یعنی این جوری نیست که ما اعتماد داریم به این‌ها. باید اعلان براءت کنید، روی موشک‌های‌تان باید بنویسید. اگر این کار را کردید: «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ». باید اعلان شود که خدا و رسول از مشرکین بیزارند. این باید معلوم شود.

این جوری، با پررنگ کردن خطوط، شما آدم‌های خودتان را پیدا می‌کنید، آدم‌های ویژه‌ی خودتان را پیدا می‌کنید، خالص‌های خودتان را پیدا می‌کنید. ولی وقتی این خطوط کم‌رنگ می‌شود، آن اعلان براءت معلوم نمی‌شود چیست؟ معلوم نمی‌شود دشمن ما کیست، باید با کی بجنگیم، باید با کی مبارزه کنیم توی این عالم. ابراهیم چه کار می‌کرد؟ حج ابراهیمی چیست؟ وقتی این‌ها معلوم نمی‌شود، اتفاقاً شما آن تجمیع آدم‌های‌تان را نمی‌توانید داشته باشید. این جوری نمی‌دانید دور امام جمع شوید که چه کار کنید. این تولی و تبری، اگر می‌بینید دو روی یک سکه است، یعنی اگر ما دور امام جمع می‌شویم، گفتند بیا حج، که بیا دور امام که چه کار کنی؟ که بتوانی با طاغوت مبارزه کنی. اگر شما این بعد تبری را بکشید، تولی هم تولی نیست دیگر. بعد بعضی از گیج‌های ما فکر کردیم که تبری یعنی این که شما کل آمریکا و اسرائیل را ول کنی، بروی توی صدر اسلام، یک دعوایی بخواهی حل کنی! این شد تبری؟ آدم گیج اصلاً تو نمیدونی تبری چیست، تولی چیست؟ هیچ کدامش را نمی‌دانی چیست.

تو باید می رفتی حج، باید می رفتی با امامت بیعت می کردی که بزنی توی دهان آمریکا. این توی است. آن وقت تویات باید کسی بودی که سر غزه ساکت نمی ماندی، یک کاری می کردی. آقایان مسئولین، یک کاری بکنید! مردم همراه اند، مردم می خواهند یک کاری بکنند. مردم دلشان دارد می ترکد به واسطه ای اسلام. نه صرفاً به خاطر انسانیت، که انسانیت هم انسان را به جوش می آورد، ولی به خاطر اسلام.

ببینید، این سوره مبارکه ای ممتحنه که اسوه ی حسنه را ابراهیم معرفی می کند، ابراهیم اسوه است، حتی اسوه ی حسنه ی خود پیغمبر است. می دانید که در آیات قرآن آمده: «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». خدا به پیغمبر گفته: «پیغمبر، روش حضرت ابراهیم الگوی توست.» یعنی چه؟ یعنی تو هم باید همان روش حضرت ابراهیم را بروی. خب، چه روشی برویم، چه کار باید بکنیم الان که دنبال پیغمبر باشیم و دنبال حضرت ابراهیم باشیم؟ ابراهیم کسی است که همه می خواهند خودشان را به او بچسبانند. یک مرکزی دارد حضرت ابراهیم. برای همین است که در قرآن آمده: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا». ابراهیم نه یهودی بود، نه نصرانی بود. خب، ابراهیم اصلاً قبل از این ها بود، معلوم است که این نبود. نه، هر کس می خواست بگوید: «ما روش مان ابراهیمی است، ما داریم ابراهیمی عمل می کنیم».

بله، گاهی اوقات سامری ها برمی دارند گوساله هایی می سازند و توی تمام سایت ها اعلام می کنند که: «ذَا إِلَهٌ مُوسَى». در حقیقت، این اله خود موسی است، موسی هم همین کار را دارد می کند، موسی هم دنبال همین روش است: «إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى وَنَسِي». این اله شماست، اله موسی هم احتمالاً همین است. می توانند جا بیندازند که گوساله، محصول روش حضرت موسی است. می توانند جا بیندازند که برجام، محصول انقلاب هاست. این را می توانند با یک عالم رسانه جا بیندازند. کدام گوساله؟ عجلأ جسدأ له خوار! یک تنه ی پیکری که یک سر و صدایی دارد برای خودش، ولی هیچ وقت محصول حکومت موسی نیست. این خروجی حکومت موسی هیچ وقت این در نمی آید.

حالا همان برجام خواران دوباره دارند ملت را گیج می کنند که خلاصه، دنبال این هستند که اگر آن دفعه نشد، تقصیر آمریکا بود. آقای گیج! چه این دفعه، چه آن دفعه، کلاً مشکل یک مشکل مبنایی است. مشکل بنایی نیست، سوء تفاهم نیست که حالا آن دفعه یا این دفعه. چرا دارید مردم را تحمیق می کنید؟ بسه! مشکل این است که این همان طاغوتی است که کلاً ما باید بزنینم توی دهنش. حالا اگر هم صلح کردیم، این را بعداً توی یک قسمتی خواهم گفت، ما اصلاً صلح نداریم به معنای سازش. آن چیزی که داریم، آتش بس داریم، نه صلح به معنای سازش. اصلاً توی قرآن همچنین چیزی نداریم. بله، به معنای سازش نداریم، به معنای آتش بس داریم. صلح حدیبیه همین جور بود، صلح امام حسن هم همین جور بود. این جور نیست که ما با دشمن آخرش بسازیم.

ببینید، سوره مبارکه ای ممتحنه این جور شروع می شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَهُكُمْ بِالْمُودَّةِ». می گویند: «ای مؤمنین، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید که به آن ها اظهار محبت کنید.» مودت پایش خرج نکنید، هزینه محبت نکنید به این ها، این کار را نکنید هیچ وقت. آقا، شما تهش می خواهید با هم بنشینید مذاکره کنید دیگر، اظهار مودت و محبت نکنید به همدیگر. بعد می گویند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ». خب، اسوه ی حسنه ابراهیم است برای کی؟ برای شما. اسوه ی حسنه ابراهیم و دوروبری های ابراهیم. یعنی ابراهیم دوروبری می خواهد، پیغمبر دوروبری می خواهد، رهبر دوروبری می خواهد. اگر رهبر را تک بگذارید، او نمی تواند همه ی جریانات را با هم مدیریت کند و اعلان برائت را جدی کند.

«إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ». آن موقع که به قوم خودش گفت: «من از شما بری ام، از منقطعان بری ام.» گفت: «وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ». عداوت و بغض بین ما آشکار شد. کاملاً باید این بیاید بالا، این عداوت و بغض. بعد جلوتر می گوید این اسوه ی حسنه است: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». شاید خدا از طریق اعلان برائت، بین شما و دشمنان تان مودت ایجاد کند. این دیگر چه صبیغه ای است؟ یعنی با اعلان برائت، مودت ایجاد شود با طرف مقابل؟ مگر می شود؟ بله، می شود! وقتی شما دشمن خودتان را نشان دادید، برای خودتان اقتدار پیدا می کنید. وقتی اقتدار پیدا کردید، می نشینید سر میز مذاکره، با هم حرف می زنید. نه این که بنشینید سر میز مذاکره ببینید او یک طرفه دارد چه می گوید.

ببینید، دو نفر عاقل و بالغ می‌توانند کنار هم بنشینند و با هم حرف بزنند. اگر یک ضعیف با یک قوی، یک نداری با یک دارا بنشینند کنار هم بخواهند حرف بزنند، او همه‌ی زورش را به این می‌گوید. لذا می‌گوید: «شما اعلان برائت کنید.» توی این اعلان برائت، یک معیاری پیدا می‌شود، یک دوروبری‌هایی، آدم‌هایی پیدا می‌شود. شما نگران نباشید که آدم ندارید. توی این زمینه، توی دنیا آدم دارید، اگر اعلان برائت‌تان را صاف انجام دهید. نه این که یک کاری کنید که خود دوستان گیج می‌شوند عزیزان، بالاخره شما باید به ذهن تمام آزادی‌خواهان عالم توجه کنید. نمی‌شود هر جایی آدم می‌رود، می‌بیند گروه‌های مقاومت دارند می‌گویند: «خب، دارید چه کار می‌کنید؟ به ما هم می‌شود بگویید؟ ما الان سرکاریم!» ببینید، این نیست که ما هر جور می‌توانیم عمل کنیم و همه را سرکار بگذاریم یا تصور کند که پشتش خالی شده، دارد می‌رود سرکار.

بالاخره ما ام‌القراییم. ام‌القرای مقاومت اگر کاری کند، باید حواسش به من حول‌ها باشد. باید حواسش باشد که برای دیگران چه اتفاقی می‌افتد. تصمیم گرفتید مذاکره کنید، بکنید. اولاً، نیروی نظامی شما چرا این کار را می‌کند؟ شما چرا پیام صلح و دوستی می‌دهید؟ به شما ارتباطی ندارد. باید پیام‌های‌تان محکم، شاخ‌به‌شاخ باشد دیگر. شما مگر دیپلماتید که این کار را می‌کنید؟ شما باید پیام‌تان روشن، مشت توی دهان این‌ها باشد. نه این که هی این طرف و آن طرف بیانه‌های صلح بدهید. این کار شما نیست. شما اتفاقاً کارتان بیانه‌ی برائت است، بیانه‌ی مقاومت، بیانه‌ی حمله است. کار شما این است.

اگر این بشود، آن موقع شما مواجه می‌شوید با یک کشور مقتدر و کلی همراه. خیلی وقت‌ها برخی از کشورها و گروه‌ها همراهی نمی‌کنند، چون شما تکلیف خودتان را مشخص نمی‌کنید که چه کاره‌اید. همه معطل‌اند ببینند شما اول چه کاره‌اید. ببینند شما چه کاره‌اید، بعد معلوم شود ما چه کاره‌ایم. وقتی خودتان معلوم نیست چه کاره‌اید، آن موقع خیلی‌ها همراهی نمی‌کنند. حواس‌تان باشد.

راه ایجاد مودت با دشمنان، از مسیر برائت است و محکم‌ترینش حج است، آنجایی که المپیک برائت است، که حج دیده شده و منطق حضرت ابراهیم. ان‌شاءالله که حاجیان ما به سلامت بروند و برگردند، یک حج ابراهیمی داشته باشند. و ان‌شاءالله غدای مهمانی ظهور حضرت را با هم میل کنیم. یا علی، خداحافظ.